خبر آخر

وقوع یک انفجار در «مدینه منوره» و ۲ انفجار در «قطیف» عربستان

● منابع امنیتی سعودی از وقوع دو انفجار انتحاری در نزدیکی مسجدی در شهر «قطیف» و یک انفجار انتحاری در نزدیکی حرم نبوی در مدینه منوره خبر دادند. به گزارش رویترز، دو عامل انفجاری شامگاه دوشنبه خود را در نزدیکی حرم نبوی و مسجدی در شهر قطیف واقع در شرق کشور عربستان منفجر کردند.

شبکه العربیه گزارش داد دو عامل انتحاری شامگاه دوشنبه هنگام افطار خود را نزدیکی مسجد العمران در شهر قطیف منفجر کردند و نمازگزاران این حادثه جان سالم به در بردند. براساس گزارش منابع خبری، فردی که می‌خواسته این عملیات انتحاری را انجام دهد به دلیل حضور کمیته‌های حفظ امنیت نتوانسته بود خود را به مسجد برساند، در نزدیکی مسجد خود را منفجر کرده است. تا لحظه تنظیم خبر، گزارشی از میزان تلفات این انفجارها اعلام نشده بود اما شاهدان عینی می‌گویند که اجزای متلاشی‌شده بدن فردی در محل حادثه را مشاهده کردند که به احتمال زیاد متعلق به فرد انتحاری بوده است.

دقایقی پس از وقوع این دو انفجار، یک عامل انتحاری دیگر خود را در مرکز ایست و بازرسی در نزدیکی حرم نبوی در شهر مدینه منوره منفجر کرد. به گزارش العربیه، این انفجار در یک پارکینگ توقف خودروها در نزدیکی حرم نبوی(ص) روی داده است. این انفجار باعث بروز آتش‌سوزی در این پارکینگ که وابسته به نیروهای امنیتی بوده، شده است.

این حادثه چند ساعت پس از ناکام‌ماندن یک عامل انتحاری دیگر در رسیدن به هدف خود در این کشور به وقوع پیوست. شامگاه یکشنبه یک فرد انتحاری خود را در پارکینگ بیمارستان دکتر سلیمان فقیه در شهر جده منفجر کرده بود.

سرنوشت استیوجابزهای وطنی

ادامه از صفحه ۲

فرض بگیریم ما درست عمل می‌کنیم و رشوه‌دهندگان اقتصادی می‌بایستی مجازات شوند. سؤالم از جنابعالی آن است که چرا استیوجابزها در کشورهای دیگر در شرایطی قرار نمی‌گیرند که مجبور به پرداخت رشوه شده و به قول فرمایش جنابعالی «مدیران دولتی را فاسد نمایند»، اما مه‌آفریدها و شهرام‌جزایری‌ها در ایران مجبور می‌شوند برای پیشرفت کاری‌شان رشوه دهند؟ پاسخ حضرتعالی به این پرسش کلیدی روشن است و در پاسخ به حقیر هم فرموده‌اید: حمایت و همکاری جریانات سیاسی (که معمولا هم اصلاح‌طلبان و اعتدالیون هستند) از مفسدین. به‌علاوه دشمنان انقلاب و نظام هم از استیوجابزها در ایران به‌عنوان «ایادی» و «ستون پنجم» بهره‌برداری می‌کنند. راه‌حلتان هم مشخص است: برخورد «قاطع» مسئولان با مفسدین. مرادتان هم از برخورد «قاطع» روشن است: اعدام آنان به‌عنوان «مفسد فی‌الارض». بارها هم فرموده‌اید اگر با مفسدین و متجاوزین به بیت‌المال در ایران قاطعانه برخورد شود، معضل مفاسد اقتصادی یک بار و برای همیشه تمام می‌شود.

جناب شریعتمداری عزیز، مشکل من با حضرتعالی و سایر سروری که «اعدام» و «گرفتن و زدن و بستن» را چاره مبارزه با سرطان پیشرفته فساد در اقتصاد ایران می‌دانند، آن است که خیلی به ریشه‌های عمیق‌تر و پیچیده‌تر موضوع فساد در کشور کاری ندارند. یک بار هم نه جنابعالی و نه سایر سروران گرامی دیگری که قاطعانه به دنبال مبارزه با فساد قیام کرده‌اید، از خودتان نمی‌خواهید این سؤال ساده را بپرسید که چرا در مقایسه با جوامع دیگر این‌قدر آمار مفاسد اقتصادی در جامعه ما بالاست و چرا با وجود این‌همه گرفتن و زدن و بستن، با وجود این‌همه دقت روی گزینش مدیران اجرائی نظام و اصرار روی سبقه دینداری‌شان، و با وجود این‌همه دستگاه‌های عریض و طویل نظارتی، بازرسی، حراستی، حفاظتی، اطلاعاتی، تعزیراتی و کنترلی معذالک یکی از رکورددارهای فساد در دنیا هستیم؟ چرا سرنوشت کارآفرینان و استیوجابزها در ایران این‌گونه است؟

پاسخ به این پرسش کلیدی را آدام اسمیت دو قرن پیش داده است. کارآفرینان در ایران به این خاطر به‌قول جنابعالی «به ورطه فساد» می‌افتند چون همه چیز از شیر مرغ تا جان آدمیزاد در ایران در دست دولت است. از بانک، بیمه، راه‌آهن، هواپیمایی، کشتیرانی گرفته تا صنایع مادر همچون فولاد، مس، آلومینیوم، ذوب‌آهن، ماشین‌سازی، خودروسازی، تراکتورسازی تا نفت، گاز، پتروشیمی، تا آب، برق، تا مهدکودک، دبستان و دبیرستان، دانشگاه و تحقیقات، تا بهشت‌زهرا و امور مربوط به اموات. به‌علاوه تمامی قوانین و مقررات که اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی کشور را کنترل می‌کند ایضا و باز در دست حاکمیت است. از قوانین و مقررات مربوط به صادرات، واردات، تعیین تعرفه‌های گمرکی و سود بازرگانی گرفته تا تعیین اینکه واردات کدام کالا آزاد است و کدام قدغن، ایضا چه اقلامی را می‌شود صادر کرد و چه اقلامی را نمی‌شود، تا تعیین نرخ بیمه، مالیات، سود بانکی، تا قوانین و مقررات بانکی، کارگری، استخدامی، بازنشستگی، ازکارافتادگی، تأمین اجتماعی و... هم در دست دولت است. در آمریکا هر جای دیگری که الگوی اقتصاد آزاد آدام اسمیت حاکم است، دولت فقط نظارت می‌کند که استیو جابز مالیاتش را بدهد، قوانین محیط زیست را رعایت کند و کیفیت محصولات و تولیداتش مطابق با استانداردهای مربوطه باشند. اما در ایران برای نفس‌کشیدن تولیدکننده‌ها هم چندین سازمان و نهادهای دولتی و نظارتی وجود دارند که مه‌آفرید امیرخسروی‌ها مجبور به گرفتن مجوز، موافقت، تأییدیه، وام، قیمت‌گذاری و... از آنها هستند. جنابعالی پای صحبت یک تولیدکننده ایرانی بنشینید و ببینید که چگونه سازمان‌های دولتی و قوانین و مقررات مربوطه را به‌عنوان بزرگ‌ترین مانع و سد راه فعالیت‌هایش به شما معرفی می‌کند و بعد پای صحبت تولیدکنندگان آمریکایی، ژاپنی، هندی، آلمانی، ترک بنشینید و ببینید نگاه آنان به نظام‌های حکومتی‌شان چگونه است؟ مجموعه دولت، نظام اداری و قوانین و مقررات در آمریکا و سایر اقتصادهای آزاد، حامی تولیدکننده و استیوجابزهایشان هستند. اما در ایران نظام بوروکراسی که مدیریت اقتصاد کشور را در مشتش دارد تولیدکننده را به صلابه می‌کشد. شما فقط از یک تولیدکننده کوچک سؤال بفرمایید که با چند سازمان دولتی مکلف است از صبح تا شام سروکار داشته باشد. بنابراین خیلی تصادفی و دور از ذهن نمی‌باشد که استیوجابزهای ما مستأصل و درمانده برای پیشرفت کار و نجات از دست افراد دولتی مجبور به رشوه‌دادن و به قول شما «فاسدکردن مدیران دولتی» می‌شوند. جناب شریعتمداری بزرگوار، اینکه اقتصاد ایران در دست دولت است همه بدبختی کشور نیست. بدبختی اساسی‌تر همان جمله تاریخی است که آدام اسمیت ۲۰۰ سال پیش گفت: «دولت تاجر خوبی نیست». به عبارت دیگر، بدبختی فقط این نیست که بانک‌های کشور، فولاد، پتروشیمی یا هواپیمایی کشور در دست دولت است. بلکه مصیبت بزرگ آن است که هیچ یک از بخش‌هایی که در دست دولت است از کمترین میزان موفقیت و حداقل کارایی هم برخوردار نیست. جنابعالی یک بخش از اقتصاد ایران را اعم از خدمات، صنعت، معدن یا کشاورزی را نشان بدهید که سودده باشد و بتواند با مشابه خارجی‌اش از نظر کیفیت و قیمت تمام‌شده رقابت کند؟ حضرتعالی یک مورد از کالای ساخت داخل را مثال بزنید که بدون حمایت دولت بتواند بر روی پای خودش بایستد؟ اگر ایران به عضویت سازمان تجارت جهانی درآید و بر طبق مقررات این سازمان دیگر نتوان جلوی ورود کالای خارجی به کشور را گرفت و مصرف‌کننده ایرانی را وادار به خرید کالای بی‌کیفیت و گران ساخت داخل کرد، در آن صورت خواهید دید که به‌ندرت صنایع ما قادر خواهند بود روی پاهای خود بایستند؟ اقتصاد دولتی فاسد و ناکارآمد ایران بهترین گواه درستی نظریه آدام اسمیت است که ۲۰۰ سال پیش گفت: «دولت تاجر خوبی نیست». نه‌تنها اقتصاد ایران که هیچ اقتصاد دولتی دیگری هم در این دو قرنی که از آدام اسمیت می‌گذرد نتوانسته موفق شود. در این دو قرن تلاش‌های فراوانی صورت گرفت تا الگوهای دیگری را جایگزین الگوی اقتصاد آزاد و غیردولتی آدام اسمیت کنند. انواع اقتصادهای سوسیالیستی، دولتی، مردمی، تعاونی، اشتراکی و... مدعی جایگزینی اقتصاد آزاد آدام اسمیت شدند. به‌زعم خودشان و با اشاره به کاستی‌ها و ضعف‌های اقتصاد آدام اسمیت مدعی شدند که الگوی اقتصادی آنها توانسته یک سروگردن هم از الگوی اقتصاد آزاد آدام اسمیت بالاتر بایستد. اما محض نمونه حتی یک مورد از این اقتصادها در ۲۰۰ سال گذشته نتوانسته‌اند به یک حداقلی از موفقیت برسند. النهایه اقتصادهایی به وجود آوردند که مردم فقط می‌خواستند از آنها بگریزند. مدل «اقتصادی ما» در ایران هم استثنایی بر این قاعده نبوده. ۳۷ سال است که مدعی جایگزینی الگوی توسعه اقتصادی آدام اسمیت با یک الگوی «داخلی» هستیم اما جز یک مشت شعار، کلی‌گویی، و انشا در عمل نصف صفحه هم نتوانسته‌اند چیزی بر روی کاغذ بیاورند. شعار، کلی‌گویی، انشا و حرف‌های قشنگ را که بگذاریم کنار، عمده‌ترین ویژگی و مشخصه اقتصاد دولتی ایران فساد بوده است. در این ۳۷ سال یک دو جین کشورهای دیگر که ۳۷ سال پیش یا از ما عقب‌تر بودند یا کم‌وبیش هم‌ردیف ما می‌بودند توانستند با اتخاذ الگوی اقتصاد آدام اسمیت از مدار «درحال توسعه» بودن خارج شده و بدل به اقتصادهای صنعتی و موفق بشوند. ترکیه، مالزی، هند، چین (در مناطق ویژه اقتصادی‌اش)، برزیل، آرژانتین، مکزیک، تایوان، هنگ‌کنگ، لهستان، مجارستان، آفریقای جنوبی و... در پرتو برنامه‌ریزی مناسب توانسته‌اند دست‌کم از مدار توسعه‌نیافتگی خارج شوند. بسیاری از این دست کشورها نه یک بشکه نفت داشتند و نه یک کپسول گاز. نه به دنبال «بومی‌سازی» الگوی توسعه در کشورشان بودند و نه مدعی به‌چالش‌کشیدن الگوی توسعه اقتصادی غرب شدند.

جناب شریعتمداری عزیز، ۲۰۰ سال پیش آدام اسمیت دولت‌ها را از مداخله در امور بازار و کسب‌وکار برحذر داشت و استدلال کرد که «دست غیبی بازار» به نحو مطلوبی قیمت‌ها و عرضه و تقاضا را کنترل می‌کند و نیاز به دخالت دولت نیست. اما ۳۷ سال است که ما به‌جای «دست غیبی» آدام اسمیت از طریق «تعزیرات حکومتی»، «ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز»، «بازرسی وکنترل قیمت‌ها»، «بررسی قیمت‌ها» و... تلاش کرده‌ایم بازار و قیمت‌ها را کنترل کنیم. پدیده‌ای که به‌صورت «طبیعی» قابل‌کنترل است را ما می‌خواهیم با زور، تنبیه و گرفتن و زدن و بستن کنترل کنیم. و بعد هم که موفق نمی‌شویم آن را به حساب «توطئه‌های ستون پنجم اقتصادی دشمن» می‌گذاریم.

جناب شریعتمداری بزرگوار، نوک قله کوه یخ در قطب در فصل تابستان گاه حدود یکی، دو متر از سطح آب بیرون می‌آید. انسان اگر در مورد آن کوه‌های عظیم یخ که به وسعت هزاران کیلومترمربع در زیر آب پنهان مانده چیزی نداند علی‌القاعده تصور خواهد کرد که همه یخ‌ها همان چند متری هست که روی آب ظاهر شده‌اند. ای‌کاش عمق فاجعه اقتصاد کشورمان محدود می‌شد به چنده یا حتی چندصد نفر که چندین سال حقوق‌های آن‌چنانی دریافت می‌کرده‌اند. اما فیش حقوق‌های نجومی صرفا آن چند متری هستند که از زیر آب خارج شده‌اند. عمق فاجعه اقتصاد فاسد و ناکارآمد دولتی ایران خیلی بیشتر از اینهاست که بر روی آب ظاهر شده است.

نکته

بنده به جای شعار و بهره‌برداری سیاسی از موضوع فیش‌ها علیه دولت یازدهم، سعی کرده‌ام نگاه عمیق‌تری به موضوع انداخته و چند پرسش را مطرح کرده بودم. این پرداخت‌ها از چه زمانی شروع می‌شوند؟

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● با وضع قانون مدیریت خدمات کشوری در مهر سال ۱۳۸۶ و اجرای فصل دهم یا فصل حقوق و مزایای آن از ابتدای سال ۱۳۸۸ و اعمال امتیازات مختلف برای شاغلین و نیز افزایشات بعدی، در سال‌های اخیر در فوق‌العاده شغل‌های مستمر کارکنان (چون فوق‌العاده شغل، کارایی، ویژه و...) وضعیت دریافتی بازنشستگان سال‌به‌سال حادتر و تفاوتی بیشتر و شدیدتر داشته است. امسال نیز طرح پلکانی افزایش‌های حقوق بازنشستگان نه‌تنها رافع مشکلات نشد، بلکه بدعتی جدید و تبعیضی نو را بنا گذاشت؛ چراکه این طرح نوعی ضایع‌کردن سال‌ها رنج و زحمت افراد در کسب تحصیلات عالیه و نادیده‌گرفتن تخصص و تجربه و مسئولیت‌های سازمانی دوره خدمت بازنشسته‌ها است. به‌عنوان مثال فاصله دریافتی یک مستخدم خدماتی بازنشسته با مدرک تحصیلی ششم ابتدایی، سال‌به‌سال با دریافتی یک مشاور یا کارشناس‌عالی و نیز یک رئیس اداره و مدیرکل بازنشسته با مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر، کم‌وکمتر و حتی منطبق خواهد شد. بنابراین با توجه به گذشت ۱۰ سال از تصویب قانون یادشده (مدیریت خدمات کشوری) و حال که عمر آزمایشی آن به اتمام رسیده است، نمایندگان محترم این دوره و مسئولان محترم سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و سازمان بازنشستگی برای برطرف‌کردن نابرابری‌های موجود در روند حقوق بازنشستگان که درحال‌حاضر برای دو بازنشسته از هرنظر برابر و با شرایط استخدامی و خدمتی یکسان (از لحاظ مدرک تحصیلی، پست سازمانی و سابقه خدمت) تفاوت دریافتی چندصدهزارتومانی، بلکه چندمیلیون‌تومانی ایجاد شده، همچنین در راستای برقراری پرداخت‌های عادلانه، با اصلاح قانون مزبور و رفع نارسایی‌ها و کاستی‌های آن در بخش حقوق بازنشستگان، در مقایسه با شاغلان، نظام پرداخت هماهنگ بازنشستگان را مطمح نظر و طرح همسان‌سازی حقوق و هم‌ترازی دریافتی بازنشستگان مشابه سنوات مختلف (قبل و بعد از سال ۱۳۹۵) را تدوین، تصویب و اجرائی کنند.